

خطر خاموشی تمدن

روح‌الله فردوسی
منتقد و نویسنده

این سخن وزیر کشور که گفته است: «اگر روند فعلی کاهش جمعیت ادامه یابد، تا سال ۱۴۸۰ جمعیت ایران به کمتر از ۴۰ میلیون نفر می‌رسد و این خطری هوبیتی و تمدنی است.» صرفاً آمار ی‌نگران‌کننده نیست بلکه زنگ بیدارباشی است برای ملتی که در پیچ تاریخی تازه‌ای از حیات خود ایستاده است. آمار و ارقام در اینجا معنایی فراتر از اعداد دارند؛ به این معنا که آنچه در معرض خطر است، «روح تمدن ایرانی» است که قرن‌ها بر شانه‌های جمعیت جوان، پویایی فرهنگی و امید اجتماعی ایستاده بود. کاهش جمعیت، در ظاهر پدیده‌ای زیستی است، اما در باطن خود، مسئله‌ای فرهنگی و تمدنی است؛ زیرا جمعیت، تنها عددی در سرشماری هان نیست، بلکه نیروی زنده‌ی حافظه‌ی ملی، گردش خون در رگ‌های فرهنگ و حامل روای تاریخی یک ملت است. تمدن‌ها، نه با سقوط دیوارها، که با خاموشی نسل‌ها فرو می‌ریزند و هیچ خطری سهمگین‌تر از آن نیست که ملتی آرام‌آرام از درون تهی شود، بی‌آنکه دشمنی از بیرون شمشیر کشیده باشد.

ریشه‌ی این بحران را نمی‌توان تنها در اقتصاد یا سیاست جست. این زخم عمیق‌تر است و در لایه‌های روانی و فرهنگی جامعه ریشه دارد. سال‌هاست که میل به آینده در میان جوانان ایرانی فرسوده شده است. ازدواج به روایی پرهزینه و دشوار بدل گشته، تأمین خانه و امنیت شغلی دست‌نیافتنی شده‌اند و از همه مهم‌تر؛ «اعتماد به آینده» رنگ باخته است. نه جامعه‌ای که امید به فردا کم‌رنگ می‌شود، زایش نه جسمی که روحی، متوقف می‌گردد.

از این منظر، بحران جمعیت در ایران پیش از آنکه زوال تولد باشد، زوال ایمان است. ایمان به آینده‌ای بهتر، به زندگی شایسته‌تر و به امکان رشد در سرزمینی که زمانی مأمن شکوه و خرد بود.

در تحلیل تمدنی، جمعیت جوان همواره حامل پویایی فرهنگی و توان تمدن‌سازی است. ایران در دوره‌های اوج تاریخی خود - از سده‌های زرین سامانی و صفوی تا دوران نوسازی معاصر - بر دوش نسل‌هایی ایستاد که باور به فردا در آنان قوی بود. اما امروز، نسل جدید در برابر افقی مه‌آلود قرار دارد؛ نسلی که میان آرمان‌های بزرگ و امکانات کوچک گرفتار آمده است. از سوی دیگر سیاست‌های جمعیتی نیز گرفتار دوگانگی مرمزن‌اند. گاه با شتاب، خانواده‌ها را به فرزندآوری فرا می‌خوانند بی‌آنکه بسترهای اقتصادی و روانی آن را فراهم کنند و گاه در برابر بحران اشتغال و مسکن، به انفعال و وعده پسند می‌کنند. در حالی که تجربه‌ی کشورهای موفق نشان می‌دهد که افزایش جمعیت، نه بافرمان، بلکه با اعتماد ساخته می‌شود؛ اعتماد به نظام اقتصادی، عدالت اجتماعی و آینده‌ی قابل پیش‌بینی. فرزندآوری، تصمیمی است اخلاقی، عاطفی و فرهنگی؛ نه ناداری و دستوری. مادامی که انسان ایرانی احساس کند در این خاک آینده‌اش تار است، فرزندش را نیز به آن آینده نخواهد سپرد. سیاست‌های تشویقی مالی، اگر چه لازم‌اند، اما کافی نیستند؛ زیرا مشکل در «روح جمعی» است، نه در حساب بانکی ما.

باید پذیرفت که بحران جمعیت، نشانه‌ی بیماری عمیق‌تری است و آن؛ گسست میان ملت و آرمان ماست. جامعه‌ای که جوانانش نسبت به آن احساس تعلق نمی‌کنند، آینده‌ای نمی‌سازد. امروزه بسیاری از جوانان ایرانی میان «ماتدن» و «رفتن» در تردیدند و این تردید خود بزرگ‌ترین تهدید برای هویت ملی است.

در چنین شرایطی، سخن از «خطر تمدنی» کاملاً بیجا و دقیق است. تمدن، شبکه‌ای از معناها و پیوندهاست؛ میان گذشته و آینده، میان نسل‌ها و آرمان‌ها. هرگاه این پیوند گسسته شود، تمدن فرو می‌پاشد، حتی اگر ساختمان‌های پابرجا باشند. ایران با این فرهنگ ستروک و تمدن فاخر، نباید به سرنوشت سرزمین‌هایی دچار شود که تاریخ‌شان پرشکوه است، اما آینده‌شان خاموش.

از همین رو، بازاندیشی در سیاست‌های جمعیتی باید با بازسازی سرمایه‌ی فرهنگی و اخلاقی جامعه همراه باشد. باید به جوان ایرانی دوباره حس افتخار، امنیت و امکان داد؛ باید خانواده را از بند اضطراب اقتصادی رها کرد؛ باید میان دولت و مردم اشتی اجتماعی و فرهنگی برقرار کرد تا حس اعتماد و تعلق احیا شود.

در نهایت علاج این بحران در تولد نوزادان نیست، بلکه در تولد امید است. تا زمانی که افق زندگی روشن نباشد، هیچ آغوشی به روی فرزند آینده گشوده نخواهد شد. هشداری وزیر کشور اگر چه تلخ است، اما می‌تواند آغاز گفت‌وگویی ملی باشد درباره‌ی معنای «زندگی در ایران». زیرا ایران تنها خاک و مرز نیست، بلکه رسالتی فرهنگی است که نسل‌ها باید آن را به دوش بکشند و اگر این چرخه از حرکت باز ایستد، نه تنها جمعیت، بلکه خود «ایران» در خطر خواهد بود.

۱۶
۲۴ ساعت
24 HOURShammihanmedia@gmail.com
@Hammihanonline

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرپاسچی
• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی
• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی
• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)
• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)
• مدیراداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری
• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار
• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی

• تلفن روابط عمومی: ۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸
• لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰



طردشدگان داخلی بر بام آسیا

بررسی جوایز سال آسیا که پنج شنبه شب در ریاض عربستان برگزار شد و فغانی، مرضیه جعفری و سالار آقاپور جوایز خود را دریافت کردند



سپهر خرمی

گزارشگر ورزشی هم‌میهن

مراسم بهترین‌های فوتبال آسیا ۲۰۲۵ در شرایطی پنج‌شنبه‌شب در ریاض برگزار شد که فدراسیون فوتبال ایران در بخش بهترین فدراسیون در رده پلاتینیوم، مهدی طارمی در بخش بهترین بازیکن آسیایی شاغل در خارج، مسلم اولادقباد و سالار آقاپور در بخش بهترین بازیکن سال فوتبال، مرضیه جعفری در بخش بهترین سرمربی زنان و علیرضا فغانی در بخش بهترین داور برای کسب جایزه بهترین‌های سال نامزد بودند. در نهایت اما علیرضا فغانی به‌عنوان داور استرالیایی، سالار آقاپور به‌عنوان بهترین فوتسالیست آسیا و مرضیه جعفری به‌عنوان بهترین مربی سال آسیا در بخش زنان برگزیده شدند. نکته حائز اهمیت اما جایی است که علیرضا فغانی با بی‌درایتی کمیته‌وقت داوران، اسم‌اش از لیست داوران بین‌المللی ایرانی خط‌خورد تا طی سه‌سال اخیر، او مهم‌ترین دیدارهای بین‌المللی را زیر پرچم کشور استرالیا سوت زده باشد و افتخارش هم به آنها برسد. ازطریق دیگر، مرضیه جعفری نیز با وجود قهرمانی‌های پیاپی طی یک‌دهه اخیر، همیشهِ در سایه حرکت می‌کرد و فرصت بیشتر دیده‌شدن در مسابقات بین‌المللی را از او گرفته بودند تا اینکه با نتایج ضعیف تیم ملی فوتبال زنان، به خانم جعفری این فرصت را دادند تا بتواند اندوخته‌های خودش را پیاده کند. در این گزارش قصد داریم از رقبای فغانی، سالارپور و مرضیه جعفری بیشتر بنویسیم تا بیشتر به این موضوع پی ببریم که چطور جوایز ارزشمندی را کسب کردند.

▼ پاسخ فغانی در زمین

دیگر بر کسی پوشیده نیست که رفتار بسیار بدی با علیرضا فغانی شد. علی‌خسروی که همچنان عضو کمیته داوران است، در گفت‌وگویی اعلام کرده بود در روزهایی که شایعاتی مبنی بر خطرزدن فغانی از سوی کمیته داوران ایران وجود داشت، خسروی حتی تلفن فغانی را جواب نمی‌داده تا این پروسه با آرامش بیشتری جلو برود. فغانی هم بعد از خط‌خوردن از لیست ایت، در نهایت تصمیم به مهاجرت گرفت و همراه خانواده به استرالیا رفت تا بتواند قضاوت‌های مهم‌تری را در کارنامه ورزشی خود ثبت کند. قضاوت در فینال جام باشگاه‌های جهان، آخرین دستاورد فغانی در دنیای فوتبال بوده که اتفاقاً با جنجال‌های بسیار همراه شده است. علیرضا فغانی، داور پرسابقه فوتبال ایران که سومین سال حضورش در استرالیا را پشت‌سر می‌گذارد، از سوی کنفدراسیون فوتبال آسیا به‌عنوان بهترین داور امسال قاره کهن انتخاب شد و جایزه خود را دریافت کرد. فغانی به‌همراه دو کمک‌داور خود در استرالیا، آنتون شستینیان و اشلی بکام - این جایزه را دریافت کرد تا آنها نیز بهترین کمک‌داور فوتبال آسیا در سال ۲۰۲۵ شوند. نکته مهم در مورد فغانی این است که او از سال ۲۰۰۸ در لیست داوران بین‌المللی قرار دارد و در دو جام جهانی ۲۰۱۸ و ۲۰۲۲ نیز حضور داشته و حالا در لیست داوران نامزد برای جام جهانی ۲۰۲۶ آمریکا هم قرار دارد. خداداد افشاریان که از نفرت اصلی خطرزدن فغانی بود، بعدها به‌دلیل حضور در پرونده مس از سمت خود برکنار شد. گفتنی است فغانی در این جام باشگاه‌های جهان، دو بازی مرحله گروهی و یک دیدار مرحله یک‌چهارم‌نهایی را قضاوت کرد، سپس به‌عنوان داور فینال انتخاب شد تا با داوری دیدار تیم‌های پی‌اس‌جی و چلسی، مدال طلای این مسابقات را در اختیار بگیرد. فغانی پیش از این در سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۸، جایزه بهترین داور سال را گرفته بود، اما کسب این عنوان در ۴۸ سالگی بی‌تردید برایش یک دستاورد مهم محسوب می‌شود و درعین حال ثابت می‌کند که قانون ۴۵

▼ دست‌رنج ۲۰ ساله

مرضیه جعفری، سرمربی تیم ملی فوتبال زنان ایران که با این تیم به رقابت‌های جام‌قهرمانی آسیا رسید و با خاتون بم برای یازدهمین بار قهرمان فوتبال ایران شده بود، از سوی کنفدراسیون فوتبال آسیا در مراسم برترین‌های این قاره، به‌عنوان سرمربی سال ۲۰۲۵ فوتبال زنان آسیا انتخاب شد. جعفری، اولین سرمربی بین مردان و زنان ایرانی است که به این جایزه رسیده، همچنین جعفری به اولین مربی زن ایران تبدیل شد که این جایزه را کسب می‌کند. مرضیه جعفری، متولد ۱۳۶۱ در شهرستان بم، یکی از شهرهای استان کرمان است. او بیش از دو دهه پیش تصمیم گرفت تیم خاتون بم را تأسیس کند، اما زلزله بم باعث شد تا بسیاری از بازیکنان خاتون بم در آن زلزله ناگوار جان خود را از دست بدهند. جعفری اما تسلیم نشد، تیم را بار دیگر ساخت و تبدیل به قهرمان لیگ برتر زنان ایران کرد. در سال ۱۴۰۰ نیز پسرش بعد از سال‌ها درگیری با بیماری، جانش را از دست داد. چندماه بعد، برادرش هم دار فانی را وداع گفت، اما خانم جعفری توانست از این غم‌های بزرگ - هرچند سخت - عبور کند و به زندگی برگردد. بعد از سقوط تیم ملی فوتبال زنان ایران، فدراسیون فوتبال سرانجام برای فرار از بحران ایجادشده، سراغ مرضیه جعفری رفت و ایشان موفق شد بعد از ۱۲ بازی ملی، زنان را به برد برساند و در نتیجه این تیم راهی جام ملت‌های آسیا شد. او حالا به‌عنوان برترین مربی سال آسیا معرفی شده است. شاید پنج‌شنبه‌شب وقتی برای گرفتن جایزه روی سن رفت، تمام آن مسیر را به سختی‌هایی که کشید، فکر می‌کرد؛ سختی‌هایی که حالا در نهایت برایش تبدیل به یک روز خاص و فراموش‌نشدنی شده است.

▼ درخشان در دنیا

فوتسال ایران همانند یک‌دهه اخیر، صاحب جایزه مرد سال آسیا شد و این بار نوبت به ستاره جوان، سالار آقاپور رسیده بود تا در ۲۵ سالگی، مهم‌ترین جایزه فردی قاره کهن را تصاحب کند. سالار به‌دلیل عملکرد خیره‌کننده‌اش در مسابقات جام جهانی ۲۰۲۴، مدعی اصلی توپ طلای فوتسال به‌شمار می‌رفت و در نهایت به این مهم رسید. رقیب او نیز، هم‌بازی سالار بود که در نهایت در رقابت با مسلم اولاد قباد، دیگر ستاره ایرانی و محمد عثمان موسی، ستاره تایلندی، پیشی گرفت و به‌عنوان جوان‌ترین برنده مرد سال فوتسال آسیا لقب گرفت. ستاره ملی پوش که در سال ۲۰۲۳ پسر طلایی فوتسال جهان شناخته شد (عنوانی که برای اولین بار به یک سالتی باز در قاره کهن رسید)، همچنین در ۲۱ سالگی، به جوان‌ترین بازیکنی تبدیل شد که جایزه مرد سال فوتسال ایران را تصاحب کرده است. یک رکورد دیگر هم بر جای گذاشت و در ۲۵ سالگی، توپ طلای فوتسال آسیا را به خود اختصاص داد. آمار و عملکرد سالار ثابت می‌کند که او شایسته کسب این مهم بوده است. به‌ثمر رساندن شش گل و ثبت سه پاس گل در جام جهانی طی چهار مسابقه، دو عنوان بهترین بازیکن مسابقه، ۳۲ خلق موقعیت و حضور در جمع هشت بازیکن برتر این آوردگاه بزرگ؛ همه این‌ها یعنی این جایزه بدون هیچ شائبه‌ای به صاحب خود رسیده است. گفتنی است سالار بعد از دریافت جایزه، با انتشار یک پیام ویدئویی از حس‌وحالش بعد از کسب این عنوان گفت: «سلام به همه مردم عزیز ایران. خیلی خوشحالم که این جایزه را برده‌م. امیدوارم که توانسته باشم برای لحظه‌ای، دل‌تان را شاد کنم. من نماینده تمام بچه‌های نیم‌ملی و کادرفنی بودم که این جایزه را برده‌م.» مهدی طارمی هم در لیست برترین لژیون‌های قاره آسیا بود که نتوانست از سد رقبای خود عبور کند و به این جایزه مهم برسد.

چهره

صدای جکی چان در ایران

سعید مظفری، هنرمند پیشکسوت دوبله ایران دیروز ۲۵ مهرماه در قطعه هنرمندان به خاک سپرده شد. مظفری در زمان فوت ۸۲ سال داشت و از سال ۱۳۴۱ وارد دنیای دوبله شد. نخستین نقشی که گویندگی کرد، در فیلم «معجزه» با بازی راجر مور بود اما بعدتر به‌خصوص برای گویندگی به‌جای کلینت ایستوود در فیلم‌های «خوب، بد، زشت» و «به خاطر یک مشت دلار»، به شهرتی عمده رسید. از دیگر دوبله‌های معروف او می‌توان به دوبله نقش زید در فیلم «محمد رسول‌الله» و ریوزو شوهر شخصیت اصلی داستان (اوشین) در سریال «سال‌های دور از خانه» اشاره کرد. او نقش‌های بسیاری را نیز به‌جای پیرس برازنان، متیو مک‌کانهی و برد پیت صحبت کرد، اما محبوب‌ترین گویندگی‌اش را باید دوبله نقش‌های جکی چان دانست. در مراسم خاکسپاری مظفری، بسیاری از بزرگان دوبله نظیر: ناصر ممدوح، زهره شکوفنده و سعید مطمئن‌زاده و جواترهایی همچون: میرطاهر مظلومی و شراره حضرتی نیز حضور داشتند و از حسن سلوک، اخلاق خوش و مهربانی بی‌ریای اوسخن گفتند.



کتابخانه

داستان زنی بیدار و شجاع

سال‌هاست که رضارضایی، مترجم مشهور، هم‌وغم خود را روی ترجمه رمان‌های بزرگ انگلیسی در قرن نوزدهم گذاشته است و در این مسیر رمان‌هایی چون: «عقل و احساس» و «منسفیلد پارک» اثر جین آستین و رمان‌هایی همچون: «بلندی‌های بادگیر»، «شرلی» و «اگنس‌گری» از خواهران برونته (شارلوت، امیلی و آن) را ترجمه دیگری از رضایی، این بار از رمان «رومولا» اثر جورج الیوت منتشر شده است. درباره جایگاه الیوت باید گفت، او در سلسله‌رمان‌نویسان بزرگ انگلیسی در قرن نوزدهم - که از جین آستین و خواهران برونته آغاز می‌شود و به چارلز دیکنز و تاماس هاردی می‌رسد - مقام ویژه‌ای دارد و حتی برخی او را بزرگ‌ترین رمان‌نویس انگلیسی قرن نوزدهم می‌دانند. «رومولا»، داستان زنی است اصیل و شجاع که با وجود از سر گذراندن سرخوردگی‌ها و تلاطم‌های سیاسی، به بیداری فکری و روحی می‌رسد و در عین حال موفق می‌شود در زمانه‌ای که ارزش‌ها متزلزل شده‌اند، سلامت اخلاقی خود را حفظ کند.



رومولا

نویسنده:

جورج الیوت

مترجم: رضارضایی

انتشارات: نشر نی

تاریخ

تأسیس دانشگاه هایدلبرگ



۱۸ اکتبر ۱۳۸۶ میلادی، دانشگاه هایدلبرگ به دستور پاپ اوربان ششم تأسیس شد تا عنوان اولین دانشگاه آلمان را به خود اختصاص دهد. این دانشگاه، سومین دانشگاه تأسیس‌شده در امپراتوری مقدس روم پس از پراگ (۱۳۴۷) و وین (۱۳۴۵) بود. فلسفه، الهیات، حقوق پزشکی اولین رشته‌هایی بودند که با تأسیس این دانشگاه ارائه شدند. نقطه اولیه بنیانگذاری این دانشگاه به دودستگی‌ای بازمی‌گردد که در سال ۱۳۷۸ میان کاردینال‌های فرانسوی و ایتالیایی به‌منظور انتخاب جانشین پاپ ایجاد شد. در این زمان تاج‌چه به حمایت حکمرانان و رهبران مذهبی آلمان از منتخب کاردینال‌های ایتالیایی، دانشجویان و استادان آلمانی دانشگاه پاریس مجبور به ترک این دانشگاه شدند. رهبران آلمانی هم از این فرصت بهره جستند و با تأسیس دانشگاه هایدلبرگ، به جذب دانشجویان و استادان بازگشته از فرانسه همت کردند. بدین ترتیب زمانی که شهر هایدلبرگ کمتر از ۳۶۰۰ نفر جمعیت داشت، حدود ۶۰۰ نفر در دانشگاه تازه‌تأسیس آن ثبت‌نام کردند. اکنون این دانشگاه از ۱۲ دانشکده تشکیل شده و برنامه‌های تحصیلی را در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکترا، در حدود ۱۰۰ رشته ارائه می‌دهد.